



کلوپ متخصصین  
نساجی و پوشاک



دوستان عزیز سلام

در طول این سال‌ها که نساجی امروز را منتشر می‌کنیم، بارها و بارها از زبان صنعت‌گران و متخصصین و مدیران صنعت درد دل‌های کوتاه اما پر مفهومی شنیده بودم که به دلیل محدودیت‌هایی (از جمله عدم تمایل اشخاص به مصاحبه و یا عدم تمایل به درج نام بدلیل مسائل شخصی و شغلی و ...) امکان چاپ آنرا نداشتیم و یا گاهی این درد دل‌ها بقدری مختصر و مفید بود که امکان طرح آن در قالب مصاحبه مقدور نبود و همچنین بارها و بارها شنیده‌ام که یکی از بزرگترین مشکلات صنعت نساجی ما حرف نزدن متخصصین و مدیران صنعت است و اینکه طرح مسائل و مشکلات فقط از زبان و بیان و دیدگاه اشخاص خاصی صورت می‌گیرد و بقیه فقط نظاره‌گرند ... و سالها بود دنبال فرصتی بودیم تا بتوانیم راه حلی برای این موضوع پیدا کنیم که به مدد پیشرفت تکنولوژی موفق به تشکیل "کلوپ اینترنتی متخصصین و مدیران صنایع نساجی" شدیم تا گپ و گفت‌های خودمانی و تحلیل‌های شخصی خود را به اشتراک بگذارند و از آنجا که مجله نساجی امروز بعنوان تریبون پرمخاطب نساجی ایران بدست مدیران و مسولین دولتی اعم از تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان و نیز مدیران و صاحبان صنایع و صنعتگران دلسوز و نیز متخصصین و مهندسیین سخت‌کوش و اساتید محترم دانشکده‌های نساجی میرسد امیدواریم با طرح این دیدگاهها در سرفصل جدید کلوپ متخصصین نساجی و پوشاک، بتوانیم گامی موثر در راستای تعامل و هم‌اندیشی بیشتر اعضای خانواده نساجی ایران برداریم. همچنین شماره موبایل ۰۹۱۲۳۰۵۳۵۳۹ و یا ۰۶۶۹۰۶۸۲۰ سامانه دریافت و ارسال پیام کوتاه موسسه نساجی امروز آماده دریافت نظرات و دیدگاه‌های ارزشمند شما برای چاپ در مجله می‌باشد. از اینکه ما را با طرح دیدگاه‌های ارزشمندتان یاری می‌دهید صمیمانه سپاسگزاریم.

الف.ش: سلام.

دوست عزیزی پستی گذاشتن با این پرسش: "بعد از فارغ التحصیلی چند نفر شما رو مسخره کردن؟" وقتی من این پست رو خوندم ۱۲۷ کامنت گذاشته بودن. من ۱۲۸ اُمی شو گذاشتم و بعد همه شو خوندم! پاسخ‌های خیلی مثبت و کمی منفی باعث شد حس کنم بیشتر از یه کامنت "بله یا خیر" حرف دارم. بعضی آقایان ابراز تاسف کردن که اصلا چرا باید چنین پرسشی مطرح بشه و به نوعی به این پست تاختن! من البته با شما عزیزان موافقم، اما از این بابت به آقای الف ایراد نمی‌گیرم، چون واقعا عمق و کُنه حرف ایشان رو بطور دقیق متوجه نشدم و ایشان هم ایشون این رشته رو دوست ندارن (گرچه در کامنتی گفتن که عاشق این رشته هستن!) پس بهتره اول بفهمیم اصل ماجرا چیه؛ که فکر میکنم آقای الف شما باید از خودتون پرسید، چون من تصورم بر اینه که شما واقعا عاشق نیستید. (البته جسارتاً) و خواهش من اینه که در خودتون بیشتر تامل بفرمائید. (البته روی صحبت من با همه ی دوستان نساج هست!)

آقای الف عزیز من کاملا شما رو درک میکنم. در کامنتهای شما احساسی ست که من تا همین چند ماه پیش دچارش بودم. اما مشکل من اون زمان و شمای حالا، صنعت نساجی و مسخره کردن دیگران و حتی دولت و ارز گرون و اقتصاد نافرمان و هر چیزی از این قبیل نیست. مشکل اصلی منم! و .. و همه ی امثال من.. مشکل در "طرز فکر و فرهنگ شخصی" ماست. در برخورد ما و پذیرش مسائل! مشکلی که باعث شده فرهنگ اجتماع ما هم بدنبالش بیمار بشه.. عمران، معماری... اینا رشته‌های شیکیه هستن. اما قبل از همه ی اینا نساجی بوده. زادگاه و خاستگاه نساجی ایران، مثل پزشکی. ولی چرا ما بهش احترام نمیداریم؟؟؟

میدونید چرا؟؟؟ چون ما غیر پرستیم! ما ایرانی‌ها یاد نگرفتیم خودمونو باور کنیم و به خودمون ارزش و احترام بذاریم! اکثر ما در مورد "باور به خود و ایمان به تواناییهامون" درست تربیت نشدیم.. متأسفانه!





من از خوردن کامنت آقای الف خیلی لذت بردم و با آرزوی افزایش روزافزون موفقیتی که از شما صحبت کردن از ایشون خواهش میکنم که نظرشون رو در مورد این پست حتما بذارن. شاید ایشون اون باوری رو که من از شما صحبت میکنم دارن.

بدونید که من هم با اشک برگه ی انتخاب واحد نساجی رو برای ترم اولم امضاء کردم. باورم نمیشد نساجی قبول شده باشم. اما الان دوشش دارم و ایمان دارم که جزو پنج صنعت برتر جهانم.

اما ۳ ساله از صنعت نساجی و ۹ ماهه از دنیای کار بطور کامل دست کشیدم. میخوايد بدونيد چرا؟ چون فهميدم که ناراضی من بخاطر موقعیت در نساجی از ناراضی درونی من از خودم نشأت می گیره. حالا دارم خودمو می شکم و از نو میسازم. آگه کاری رو دوست ندارم پس.. انجامش هم نمیدم که خرابکاری کنم!

همه ی اینها رو گفتم که اینو بگم: من و من ها اگر اصلاح نشیم هرچقدر هم دست به دست هم بدیم قرار نیست آبادی ای رو بسازیم. هی نگیم ارز، دولت، سیاست، گرونی و .... آقا، خانم... یه کم بیشتر فکر کن و اون پای بست رو درست کن!! (انگار منم دردِ دل زیاد داشتم!) آقا مهندس امامی... ببخشید آقا آگه خیلی ربطی نداشت!!!

در صنعت و جامعه، شما ببینید که چه اتفاق هایی می فته. خدا رو شکر در تمامی جنبه های زندگی مثل رانندگی و خانه ساختن و صنعت و حتی ازدواج کردن هم نمود پیدا می کنه. حالا شما هر چقدر تلاش کنی که از خودت شروع کنی که فرهنگ سازی کنی، سعی کنی به بقیه بفهمونی، نمی شه که نمی شه. بنده حداقل در این دو سه سال که تقریباً کارم مدیریتی بوده، سعی کردم حقوق افرادی که به اصطلاح زیر دستم هستند رو رعایت کنم، اما پاره ای اوقات واقعا کار به جنون می کشه. باز هم تاکید می کنم، مردم ما متاسفانه و باز ببخشید، هم بی فرهنگ اند و هم شعور کافی برخوردار نیستند یا خودشون رو به بی شعوری زند. حالا تا کی این قضیه ادامه داره، مطمئناً به عمر ما کفاف نمی ده. ببخشید، خیلی دلم پر بود، اینجا خالیش کردم. اگر بی ربط بود ببخشید.

**الف.ز:** مشکل نساجی در درجه اول خود ما هستیم ... یکبار تو یکی از پست ها گفتم باز هم می گم... ما تا خودمون ایمان نداشته باشیم که نساجی صنعت دوم ایران، نساجی درست نمی شه... فقط منتظریم یکی حرف بزنه بعد بگیم اوی شعار نده تو صنعت فلان تو صنعت بیسار... در صورتی که این صنعتی که از شما می نالیم رو کی ساخته؟؟ کی داره توش کار می کنه؟؟؟؟ کی باهاش دست و پنجه نرم می کنه؟؟؟؟ کی می تونه افکار عمومی رو تغییر بده؟؟؟؟... جواب این سوالات یک جمله است: خود ما!!!! یک شرکت تولید پوشاک در تهران است که کت و شلوار برای Gap تولید می کنه و می فرسته... یعنی یک کارگاه تو ایران برای Gap در حال کار کرده ... پس نساجی ما خیلی بد هم نیست... فقط همت می خواد. برای اینکه کسی نگه دروغ می گی و وجود نداره می تونید از کسی که در ارتباط با این کارگاه است پرسید.

**الف.ش:** بین دوست خوبم، ما یه زمانی می گفتیم ای نساجا آگه همه دست بدست هم بدیم ال می کنیم و بل می کنیم. اما مشکل دقیقاً همون چیزیه که شما گفتی و من هم اشاره کردم. تا فرهنگ و شعور شخصی ما بطور تک به تک درست نشه هیچ .... نمی تونیم برای خودمون بکنیم چه برسه برای نساجی. (خیلی دلم میخواست اون نقطه چین رو با غلظت تمام پر کنم. ولی اینجا خانواده نشسته!!!)

**الف.ر:** خانم ش عزیز، مشکل متاسفانه از بی فرهنگی و ببخشید کم شعوری مردمی هست که من هم یکی از همون مردم هستم. واقعا آدم یک اتفاق هایی رو دور و برش می بینم که نمی دونه چه جور باید هضم کرد. یک نمونه ساده که اصلاً ربطی هم به نساجی نداره: منزل ما نزدیک به دانشگاه هست. بنده تو این مدت که برای نان گرفتن میرم، باور کنید دانشجویایی که برای گرفتن نان می یان، اصلاً نمی فهمن یا نمی خوان بفهمن صف یعنی چی؟ یعنی واقعا قشر دانشجو که نماد فرهنگ و شعور مملکت هست، نمی خواد بفهمه یا نمی تونه بفهمه که باید شعور و فرهنگ داشته باشه و یک سری مسائل رو رعایت کنه. خب، حالا این دانشجوی عزیز که تشریف مبارکشون رو میارن

من یه جا توی پستم گفتم خیلی از ما ها درست تربیت نشدیم. اون دانشجویی که شما از شما ناراحتی نتیجه ی این تربیت غلطه. الانم نمی تونی از پدر و مادر ایراد بگیری. پس بهتره به حساب خودت برسی!

منم از این آدم لجم می گیره راستش، اما مدتی و لشون کردم





و به خودم چسبیدم. یعنی در واقع به اصلاح خودم چسبیدم. امیدوارم همه مون اون روز رو ببینیم بزودی. از توجه شما ممنونم همکلاسی عزیز.



**ر.الف:** اتفاقاً باید از پدر و مادر ایراد گرفت، اگر یک کم شعور مثل خودشون بار نیارن، اینجوری نمی‌شه. بنده عرض کردم، شما اگر خودت رو هم درست کنی، جامعه انقدر بی‌فرهنگ داره که شما رو در خودش حل می‌کنه. باید یه اتفاق دیگری بیفته که دست من و شما نیست. تا وقتی مردم نفهمن که پیشرفت دیگران یعنی پیشرفت اون‌ها، این قصه ادامه داره. هر کسی سنگ خودشو به سینه میزنه. در ژاپن ۱۰ سال تمام تلاش کردن که به کارمندی دولت بفهمونن آقا جان، ارباب رجوع رئیس توست! اگر ارباب رجوع نباشه، تو هم بیکار می‌شی. بعد این همه تلاش، ژاپن می‌رسه به جایگاه فعلی. یک کلام ختم کلام همکلاسی عزیزم: الناس علی دین ملوکهم. خدا بده برکت! خواهش میکنم کمی بیشتر فکر کن. همین من و شما ایم که جامعه رو میسازیم. بله، حرفت متین؛ جامعه من یک نفر رو راحت در خودش حل میکنه. اما این یک نفر سال بعد میشه دوتا و سالیهای بعد... چندتا. ما میکاریم و دیگران بخورند... برادر!

شدم چون واقعاً از کامنت مربوط به مسخره شدن در رشته مون سخت ناراحت بودم و احساس کردم کلوپ داره به سمت طرح سؤالهای مسخره می‌ره. مشکلاتی رو که می‌بینیم کمه که که باز یکی پیدا می‌شه و به شعور همه توهین می‌کنه. در حالی که از فرم شیک لباس زیرش گرفته تا پوز لباس شیک روش، همه و همه هنر صنعت نساجی و متخصصین اون‌ه حالا این متخصصین از هر کجای دنیا که می‌خوان باشند ما هم یکیش. ما نساج‌ها بهترین رشته صنعتی رو با بالاترین دامنه خلاقیت و اشتغالزایی داریم و باید در حیطة خودمان حداکثر تلاش را بکنیم. ایده تشکیل چنین کلویی از طرف آقای مهندس امامی بسیار عالی بوده و فرصتی است برای رفع موانع موجود در صنعت. دوستان: قطعاً مطالب این کلوپ به دید پیشکسوتان و مسئولین می‌رسد و باید از این فرصت استفاده کرد و صدای مظلومیت صنعت را به گوش ناشنویان مسئول رساند. الان که دوباره برگشتم و کامنت الف را دیدم دو پهلو بود. ولی آن رو پسندیدم. بله باید دست به دست هم دهیم و صنعت نساجی را که هنوز جزو پایدارترین صنایع کشور در بحرانشا بوده و هست را مدیریت کنیم. کفایت خود و هم را باور کنیم و به هم اعتماد کنیم.



**ر.الف:** هیچ ندائی هم که به یاری نیامد هر چه گفتیم دنبال مهندس خوب می‌گردم. عهد کردم به طرف که یه جوری کارش رو اداره کنم. بهر حال باعث افتخاره کار کردن در صنعت و هرچه مشکلاتش بیشتر باشه برام شیرین تر. راستی می‌خواستم بگم به دوستان همکار در ریسندگی های این اند پنبه ای. آیا کسی اطلاعاتی در مورد نخ صد درصد پلی استر این اند و کاربرد اصلی آن در بازار دارند؟ تا جایی که من اطلاع دارم هم این نخ فقط وارداتی است. اگه اطلاعات فنی در مورد تولیدش کسی داره ممنون میشم ما رو هم بی نصیب نذاره دنبال یک سرمایه گذار در بخش تامین و تضمین پنبه در حد ماهیانه ۶۰ تن می‌گردم. یا بصورت کارمزد و یا بصورت تامین پنبه مدتی با تضمین. (آقای مهندس الف عزیز پیشاپیش عرض کنم که این رو به حساب تبلیغ نذارین. هدف تامین امنیت شغلی و حمایت از تولید در حد توان و تعهد است.)



**الف.ق:** دوستان سلام

چند بار اینجا در مورد رشته نساجی و خرابی وضعیت این صنعت و پایین بودن حقوقها صحبت شده خیلیها ناامید بعضیها هم امیدوارند پای یکی از این بحثها من هم نظرم رو دادم اینجا



**الف.ش:** بهر حال الان از پدر و مادرها کاری برنمیاد. یا از همون آدمهای کم شعور یا فاقد شعور. فعلاً فقط دستمون به خودمون میرسه. پس از خودمون شروع کنیم، بعد دوستای نزدیکی که تاثیر میگیرند... و همینطور رو به پیشرفت خواهیم شد.



**م.ر:** دقتتون توی پست ها و کامنت ها تلنگریه برای احساس مسئولیت بیشتر توی کلاممون، مرسی. من فقط یه خواهش دارم، اونم اینه که این جور بحث ها و حرف ها نشه مثل این بحث های سیاسی که معمولاً توی جمع های خنوادگی میشه و فقط برای تسکین درد ها و مشکلات هستن و معمولاً بی نتیجه. اگه واقعا کاری از دستمون بر میاد (که قطعاً بر میاد یا علی



**ر.الف:** با سلام خدمت دوستان. مدتی از کلوپ دور





حقوقهای بالا میگیرند کم نیستند.

یک مثال:

حدود یک ماه پیش یکی از دوستانم که شیمی نساجی خونده خواست با به شرکت جدید قرارداد ببندد با ۱۵ سال سابقه کار روی سه میلیون و پانصد هزار تومن و ده میلیون تومن وام که نصف آن بلا عوض باشد توافق کردن کارفرمای قبلی که خبردار شد امتیاز بیشتری داد و نگاهش داشت.

کار به درگیری بین دو کارفرما و ... تمام شد. کم نیستند دوستانی که در چند شرکت مشاورند و درآمدهای خوب دارند

دوستان جوانتر من نباید ناامید باشند. سالهای اول کارم مدیر هفتاد ساله ای داشتم که دائم میگفت: در ره منزل لیلی که خطرناکست در آن شرط اول قدم انست که مجنون باشی با ارزی توفیق دوستان

میخواوم مفصل تر صحبت کنم. بیایید با یک مثال شروع کنیم تو همه شهرها مکانیک و صافکار خودرو به تعداد زیاد هست. تعداد زیادی انقدر سرشون شلوغه که باید کلی در نوبت بمانی در عین حال تعدادی هم در حال مگس پرانی هستند. در شهری که وضعیت خودروها بهر دلیل خراب باشه حال خود خودروها مشکل داشته باشند. راننده ها مشکلات فرهنگی و آموزشی داشته باشند قوانین و مقررات رانندگی نادرست باشه و درست اجرا نشه خرابی ها و تصادفات هم زیاد میشه و نون تعمیر کارها هم تو روغن... وضعیت صنعت و ... ما هم مثل شهر مورد مطالعه ما هم مثل تعمیرکاران. مهندسین نساجی در بهبود وضعیت صنعت به سهم خودشان بسیار تاثیر گذارند کم نیستند متخصصینی که شرکتها رو از ورشکستگی و تعطیلی نجات داده اند یا به رونق آنها افزوده اند. به لحاظ حقوقی هم کسانی که



خ.خ: سال ها پیش من که هنوز دانشجوی بودم ایده ای همراه با چند تا از دوستان بزرگتر از خودم مبنی بر ایجاد یک فعالیت برای توسعه و عمران شهر خودمان در سر پروراندیم. بعد هنگامی که ما در تهران مشغول تحصیل بودیم ، شرکت توسعه و عمران مجد خواف با سرمایه چند ده نفری تاسیس و ثبت شد . بعد کارخانه شیر خواف تاسیس شد. بعد از آن کارخانه سیمان مجد خواف کلید خورد . بعد پذیره نویسی شد و این شد که شرکتی با حدود ۴۰ میلیارد تومان تاسیس شد و الان دنبال دریافت وام و ... برای رسیدن به سود است ( چون برای راه اندازی نهایی حدود ۱۰۰ میلیارد تومان هزینه دارد) . الان من و خیلی از همشهری هایم در این شرکت مشغول به کاریم . من مشاور این شرکت در دفتر تهرانش هستم و هنوز ایده کار جمعی و قطره قطره دریا در ذهنم جریان دارد. می خواستم پیشنهاد بدم برای تاسیس یک شرکت سهامی عام !!! که موسسین اولیه اش فارغ التحصیلان نساجی باشند ، اما هنوز مطمئن نیستم که در چه زمینه ای می شه به موفقیت رسید ؟ آیا ایده قبلی که بر اساس شناخت اولیه و همیاری اجتماعی چند همشهری شکل گرفته بود قابلیت بازسازی در اجتماعی از فارغ التحصیلان مهندسی نساجی دارد؟ راستش را بخواهید من خودم ایده های زیادی دارم برخی مربوط به رشته مون میشه و برخی نامربوط : از تاسیس نیروگاه CHP گرفته (برق و حرارت همزمان) تا مجتمعی برای تولید پوشاک سازگار با محیط زیست یا تاسیس نیروگاه بادی تا حتی سرمایه گذاری در کشور همسایه افغانستان - هنوز به نظرم جای کار دارد. یک سرمایه حداقلی جمع می شود ؛ تعداد زیادی از فارغ التحصیلان نساجی مشغول به کار می شوند. این کار می تواند نمونه و الگوی ویژه ای در کشور باشد فقط کافی است همت کنیم . ایده ها را ذیل این پست دنبال می کنم . ضمنا من چشم هایم را روی واقعیت نبسته ام . اعتقاد دارم به این که چنین کاری ثمراتش فوق العاده زیاد است. حتی اگر سود قابل توجهی هم نداشته باشد همین که یک کسب و کاری شکل بگیرد با مختصاتی که عرض کردم ....



**الف.ب:** من موافق این موضوع هستم. هر کاری را با همدلی می توان به نتیجه رساند. خودم بعد از فارغ التحصیلی با ۱۰ نفر دیگه کار مشابهی را شروع کردیم ولی به نتیجه نرسید که دلایلش مفصله ولی عمده اش نداشتن تجربه وعدم باور خودمان بود ولی الان که ۱۰ سال از پایان درسم می گذره خیلی راحت تر میتونم تصمیم بگیرم. ومطمئنم اگر قبل از هر کاری اونو خوب ارزیابی کنیم می تونیم موفق باشیم. موافق نظر شما هستم



**الف.ع:** من موافق این موضوع هستم. هر کاری را با همدلی می توان به نتیجه رساند. خودم بعد از فارغ التحصیلی با ۱۰ نفر دیگه کار مشابهی را شروع کردیم ولی به نتیجه نرسید که دلایلش مفصله ولی عمده اش نداشتن تجربه وعدم باور خودمان بود ولی الان که ۱۰ سال از پایان درسم می گذره خیلی راحت تر میتونم تصمیم بگیرم. ومطمئنم اگر قبل از هر کاری اونو خوب ارزیابی کنیم می تونیم موفق باشیم. موافق نظر شما هستم







ش.الف: بدون تردید المپیک لندن بزرگترین رویداد پیشروی دنیاست که میلیاردها نفر افتتاحیه آنرا دنبال نمودند. پنجشنبه شب نجف زاده تو برنامه "صرفاً جهت اطلاع" اخبار به کت و شلوار هیات اعزامی کشورمان به المپیک اشاره کرد و اینکه بدلیل مشابهت رنگ و مدل با کت شلوار هیات اعزامی در زمان شاه این کت شلوارها یکدفعه جای خودش رو به کت و شلوارهای چینی داده... نمودنم موضوع واقعیت داره یا نه ولی واقعا جای تاسف داره برای ما نساج ها اگه نتونیم حداقل کت و شلوار تیمهای ورزشی مون رو تامین کنیم... اگر دوستان اخبار و اطلاعات بدرد بخوری راجع به پوشاک ورزشی و نوآوری های آن در المپیک دارند اشتراک بگذارن...

آقا از نوآوریها گفتید...چند ماه قبل در تبلیغات المپیک ، اونوریا از یکسری لباسهای جدید ورزشی می گفتن که فوق العاده بود،مثه لباسی که دونده رو خنک میکرد یا سرعت شناگر رو افزایش می داد...البته الان من اطلاع ندارم که این ایده ها در خود المپیک پیاده شده یا نه،چون هم هزینه بر بوده و هم بعضی لباسهاش وزن بالایی داشت.اما ایده ها رو بسیار زیبا بصورت نمونه پیاده کردن و کلی هم براش تبلیغات شد.اینم اندک اطلاعات بنده خدمت شما.



**الف.م:** آقا چرا الکی سر خودتون رو درد میارین آن چیز که عیان است چه حاجت به بیان...بنده دانشجوی یکی از بهترین دانشگاه های کشورم و از بچگی تو خیاطی و پوشاک کار می کردم...آقا همیشه نمیشه تو این مملکت کاری انجام داد کجاست امکانات؟ها؟مملکتی که هیچ بهایی به علم و عالمو و فرهنگیا ندن همینه...البته علوم فقهی و فاکتور بگیرید.



**ح.ق:** حرفاتونو قبول دارم خانوم ش من کارم طلا و اینا بوده اما واسه آزادیه انتخاب کردم و اونم نساجی بود.علیرغم اینکه همه بهم گفتن خوب نیست و از این حرفا بازم اومدم. مبینم واقعا رشته خوبیه و به لحاظ اقتصادی خیلی سودش از کار ما بیشتره  
اما! مشکلاتیم هست. همون طور که بقیه دوستان هم گفتن با حلوا حلوا کردن قرار نسیت دهن شیرین بشه. اول باید از خودمون شروع کنیم. به نظر من قدم اول نهادینه کردن انجام کارا مخصوصا در حوزه کار و صنعت به صورت اصولیه. شما میگین شلوار ایرانی هنوز نپوشیده باید درز و دکمه هاشو دوخت. اما اگه ریز بشین تو اون تولیدی، می بینی که فقط دنبال تولید بالاست و سودش. دیگه به اینکه کیفیت لازمه زو داره یا خیر نیست. در کنار چنین چیزایی هستن مارک ها و تولیداتی که واقعا از ایرانی بونش کیف می کنه آدم. شاید تو حوزه جین و تی شرت قابی رقابت نباشیم اما در حوزه رسمی و اداری حرفای خوبی واسه گفتن داریم. ببینین دوستان



**ح.ق:** ما میتونیم ، به راحتی هم میتونیم ، اما مسئولین مملکتی .....(چه گویم که ناگفتمنم بهتر است )



**ح.م:** جای تاسف داره برای ما نساج ها اگه نتونیم حداقل کت و شلوار تیمهای ورزشی مون رو تامین کنیم... " برادر جان این جملت اشتباهه . ما نساجا می تونیم تامین کنیم اما چین هم باید از کنار ایران به یه نوایی برسه !!!



**الف.ش:**  
نکته ی اول: کلا جای تاسف هست که ما با وجود توان و امکاناتی که البته دست متخصصش نمیدن خیلی(!)، خیلی کارها رو نتونیم انجام بدیم.  
نکته ی دوم: جای تاسف هست که یکی یکی های مته من نشستیم(شایدنم نشستیم..اصن استایلش به من مربوط نیست) هی میگیم : به ما امکانات نمیدن..دولت باید ایل یا شایدم بل کنه..کار نیست..و همچنین حرفایی که منم تا دو سه ماه پیش شاید بعضیاشو میگفتم!!  
نکته ی سوم : جای تاسف هست که بعد از همین نقطه ی دوم خودمون(اونایی که نشستن گناهشون سنگینتره!)، همین ماها (یکی یکی ها) اون نقطه نقطه های قروقاطی تو سرمونو کار نمیدازیم که ایده دهی و نوآوری کنیم..منتظریم یکی یه جایی به کاری برامون بکنه بلکه یه چیزی از توش برامون درآد.  
نکته ی چهارم : آقا اصن همه نقاط قبلی به کنار،من نفهمیدم اینا شباهت این کت و شلوارها رو از کجا درآوردن؟!؟!والله این خانمها که قرو فر زیاد دارن و حتی به کت و شلوار مردونه هم رحم نمیکنن!آقایون که بنده های خدا سرو ساده ن^ همین یه دست لباس رو دارن اونم بدون کراوات،آخه فرقتش کجاش بود..یکی به من بگه لطفا!نکنه زبونم لال دست دشمن در کاره که در سال تولید ملی ما خدشه وارد کنه..؟؟؟ای داد!!!





بذاریم ما رو هم با خودشون به ویرانی بکشن. همه ی جوش زدن من هم واسه همینه. نمیخوام بعد از چند سال درس خوندن و سابقه کاری هرچند اندک برم و بشم یه زن معمولی. حسی که الان دارم همینه. چرا دارم بعد از اینهمه زحمتی که کشیدم هه چیزی ول میکنم و برمیگردم خونه؟؟ چون می بینم کار تو این صنعت و برای این صنعتگران فایده ای نداره. اما این منو راضی نمیکنه. باید یه کاری بکنم. ماها باید یه کاری بکنیم. ملت از سال ۱۳۳۰ شروع کردن، ۵۷ انقلاب شد. نساجی هم انقلاب میخواد. ما پایه بریزیم، یا به خودمون میرسه یا به نوه نتیجه مون. بالاخره تکون بخوریم و تکون بدیم...



**ج.د: سلام**

دوستی درمورد مصاحبه " اورینا فالاجی " با " مائو تسه تونگ " پرسیده بودند که صد البته به کلپ ما مربوط نیست ولی شاید خلاصه ای از اون برای آشنایی بیشتر با روشهای سایر کشور ها بد نباشه:

فالاجی در کتاب مصاحبه با تاریخ سازانش می نویسه که از دفتر مائو وقت ملاقات درخواست می کنه و بعد از مدتی بهش خبر می دن که باید در فلان شهر ( که شهر کوچکی دواز پایتخت بوده ) در فلان ساعت جنب فلان چهارراه منتظر بمونه و اون هم اینکار رو میکنه و در زمان معهود لیموزینی جلوش ترمز می کنه و دعوتش می کنن که سواربشه و وقتی که سوار میشه مائو رو تو ماشین می بینه ! بعد از سلام و علیک متداول متوجه کف ماشین میشه که خیس و مائو که متوجه نگاه اون شده عذرخواهی می کنه و می گه که چون وقت نداشته ، تو ماشین حموم کرده ! و سؤال و جواب شروع میشه . یکی از سؤالهای فالاجی این بوده که چرا مائو همیشه لباسهایی می پوشه که ۸ تا دگمه داره ؟ مگه هشت عدد مقدسیه؟؟ و اون جواب می ده که نه مقدس نیست و اینکه چینی ها فقط دو دست لباس می تونن داشته باشن که به این فرم باشه و ظرفیت کارخانجات دگمه سازی چین ۲ ضربدر ۸ ضربدر هشتصد میلیونه !!!! اگه یکی کمتر مصرف کنند ۲ ضربدر هشتصد میلیون دگمه زیاد میارن که چون تو تحریمند نمی تونن به جایی بفروشش و اگه یکی بیشتر مصرف کنن ۲ ضربدر هشتصد میلیون کم میارن که کسی بهشون نمی فروشه !!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!

منظور من تمام عملکرد این مرد و این دولت و این کشور نیست ولی همه براین باور هستیم که اونها برای همه چیزشون برنامه دارن و این برنامه ها رو آدمهای فهیمشون در سطح کلان طراحی می کنن و این برنامه ریزی ، کار امروز و دیروز و پریروزشون نیست بلکه سالیان ساله که دارن روش کار میکنن.

دولت قرار نیست واسه من و شما کاری بکنه. تا یکم اسم و رسمت معروف میشه، اول میان سراغ مالیات. میان بهت وام بدن که آقا بیا این پولو بگیر، توسعه بده کارت. من نساج باید بینم خودم تو حوزه کاری خودم چیکار کردم. ما ها متاسفانه وجدان کاری نداریم. به قول معروف حرومش میکنیم. خیلی کم پیدا میشن کسانی که مثلا تراکم پارچشون همینی که میگن باشه. مشکل بعدیم به نظر بنده جزیره نداشتنه. همه میخوایم با کمترین کار به بیشترین سود برسیم. محاله آدم واسه کاری زحمت بکشه و مزدشو نگیره. همه ما بهش رسیدیم. به قول نماینده مردم یزد تو مجلس که حرفش ۲ ریالم نمی ارزه، همت چاره ساز است. من و شما میتونیم به تولید و فروش و خرید جنس ایرانی کمک کنیم. دولت و سازماناش همایشا و سند امضا کردنشاشو به عهده گرفتن. حیف این پولا بخدا. میدونستین بودجه امسال ما ۲۵ تا صفر داشته؟ اونوقت اینه وضع صنعت و معیشت. چرا؟ عوض اینکه دست من و شما برسه داره خرج همایشا و کنفرانسا و پذیراییشا و بروشوراش میشه. خلاصه میخوام بگم که وقت داره از دست میره و ائانیه هم پامون صبر نمیکنه. بیایم اول از خودمون شروع کنیم.



**ز.م:** شرکتی چینی با ۴۰ هزار دلار، نام ایران را در المپیک کرایه کرد!

روزنامه خورشید نوشت: «جمشید بصیری، دبیر سابق انجمن صنایع نساجی، با انتقاد شدید از چینی بودن لباسهای ورزشکاران ایران در المپیک میگوید: «یک شرکت چینی در ازای پرداخت تنها ۴۰ هزار دلار نام ایران را در بازیهای المپیک کرایه کرده و برای خود تبلیغ میکند».

وی با طرح این پرسش که آیا نام ایران تنها چهل هزار دلار میارزد و آیا نمیشد سفارش ساخت لباسهای ورزشکاران ایران را در المپیک به تولیدکنندگان داخلی داد، گفت: «چین خودش بزرگترین خریدار ماشینآلات نساجی خارجی بوده و این در حالی است که از نام ایران برای تبلیغ در المپیک سوءاستفاده کرده است. تبلیغ یک برند چینی در المپیک توسط کاروان ورزشی ایران بزرگترین توهین به ملت ایران است. واقعا جای تأسف است که کاروان ورزشی ایران در المپیک به جای پوشیدن لباس تولید داخل، لباس ساخت چین را بر تن داشت». /تابناک



**الف.ش:** این مطلب لایک نداره، بسیار جای تاسفه! کاملا قبول دارم این ویرانی رو. اما بین ما یا باید یه کاری بکنیم، یا

